

چگونه محمود فکری در قאئمشهر تیم خودش را ساخت؟

# نساجی رویایی و رویای نساجی

مازیار گیلکان

Mazyar Gilakan



فوتبال هر چقدر حرفه‌ای و بی‌مرز شده باشد اما همچنان حس بازی و مربیگری در زادگاه جذاب است، انرژی و انگیزه پدید می‌آورد و چه بسا ذاتاً متعصبانه‌تر باشد.

برای محمود فکری فوتبال حرفه‌ای از نساجی شروع شد، او البته سال‌هایی فراموش‌نشده‌ی در استقلال را تجربه کرد، بازوبند کاپیتانی بر بازو بست، نامش بعد از علی جباری بیشتر از همه استقلال‌ها به عنوان کاپیتان دربی‌ها ثبت شد. او فوتبال را مثل یک جویباری کشتی گرفت. از نشانه‌های جان‌سختی و سختکوشی در فوتبال بود و همیشه با تمام جان بازی می‌کرد. این نشانه‌ها را از زادگاهش وام گرفته بود. او مربیگری را پرواز نکرد، یک شبه ره صد ساله نرفت و دستیاری و سپس مربیگری در لیگ یک را به تجربه‌هایش افزود تا امروز سرمربی تیم نساجی باشد. وقتش رسیده بود که خطر کند و با نساجی پروژه نجات را تجربه کند. تجربه‌ای که حالا موفقیت‌آمیز است و او را به آینده امیدوار می‌کند.

روزی که محمود فکری سرمربی نساجی شد، اولین حرف‌هایش در باره ۱۰ بازی سرنوشت‌ساز بود: «نساجی شرایط چندان مناسبی در جدول ندارد و با توجه به ۱۰ بازی سرنوشت‌ساز باقی‌مانده، وقتی برای ائتلاف نداریم، همه و همه، از مالک باشگاه، مدیرعامل، اعضای هیأت مدیره و سایر عوامل ستادی و اجرایی باشگاه نساجی، هواداران عزیز و اصحاب رسانه، باید دست در دست هم دهیم تا بتوانیم از آبروی نساجی دفاع کنیم، این اتحاد و عزم جدی را نزد مسئولان و مدیران باشگاه دیدم و حالا نوبت من و بازیکنان و سایر اعضای تیم است که برای یک هدف مشترک یعنی موفقیت بجنگیم.»

جنگ آغاز شد. اولین حرف‌های فکری نشان می‌داد که او اهل همفکری و مشورت است. فکری برای موفقیت در پروژه نساجی در اقدامی که چندان مرسوم نیست، از یک سرمربی دیگر کمک خواست: «صحبتی هم با آقای مرقاوی داشته‌ام که نه به عنوان مربی که به عنوان استاد به ماکمک کند تا این خان را بگذرانیم.» برای فکری قدرت فنی بیشتر و تصمیمات فکرشده و دقیق تر اهمیت داشت و می‌خواست سراغ مشورت برود.

نساجی در اولین بازی با محمود فکری، ۳ بر صفر ماشین‌سازی تبریز را شکست داد تا شروع فکری توانایی باشد. نساجی که به منطقه خطر سقوط نزدیک شده بود، با این پیروزی جان گرفت و فهمید که مسیر بهتری را با مربی جدید انتخاب کرده است. بعد از این بازی اما لیگ با شیوع کرونا متوقف شد. نساجی از جمله تیم‌هایی بود که به برگزاری دوباره لیگ برتر انتقاد داشت و آن را خطرناک می‌دانست. بسیاری بودند که نساجی را بهانه‌جو دانستند و تصور این بود که نساجی با توجه به موقعیتش در جدول، دنبال برگزاردن بازی‌ها و فرار از احتمال سقوط است اما نساجی پس از برگزاری دوباره بازی‌ها نشان داد که چقدر توانست برای شروعی دوباره آماده و موفق باشد. فکری در روزهای قرنطینه تیمش را کنترل می‌کرد و از وزیر ارتباطات نیز کلايه داشت: «ما به دستور ستاد ملی مبارزه با کرونا تمرینات خود را تعطیل کرده‌ایم اما برای حفظ شرایط آرمانی بازیکنان از طریق یک اپلیکیشن گروهی تمرین می‌کنیم اما متأسفانه سرعت اینترنت خیلی پایین است. در میانه‌های کار ارتباط ما با بازیکن یا ارتباط بازیکن با کادر فنی قطع می‌شود.»

نساجی با آغاز لیگ، تراکتور را در تبریز یک بر صفر شکست داد، سپس مقابل فولاد در قאئمشهر ۳ بر ۲ پیروز شد و این موفقیت‌ها نشان داد که در نساجی با فکری اتفاقات تازه‌ای رخ داده است. تساوی یک - یک تیم شمالی در گرمای تیرماه آبادان مقابل صنعت نفت نیز نتیجه خوبی بود. شاید ضعیف‌ترین نتیجه نساجی در دوره فکری تساوی صفر- صفر خانگی مقابل نفت مسجد سلیمان بود. اما سپس نساجی توانست استقلال را در تهران با نتیجه یک - یک متوقف کند. فکری پس از بازی با استقلال گفت: «موهای سفیدی که روی سرم می‌بینید، خیلی از آنها در استقلال سفید شده. طرفداران نساجی باید به من حق بدهند چون من با این تیم خاطره دارم و جوانی‌ام را در استقلال سپری کردم. همانطور که اولین باری که با پیراهن استقلال برابر نساجی قرار گرفتم، برایم خیلی سخت بود، از این طرف هم هواداران نساجی باید به من حق بدهند. حتی گریه‌های من در آن بازی ثبت شد و هنوز فیلمش هست.» فکری اما کوشش کرد با هواداران نساجی رابطه صمیمی و منطقی داشته باشد و به درک متقابل برسند. بازی‌های سخت برای نساجی پایانی ندارد. یک هفته بعد نوبت به بازی نساجی با پرسپولیس رسید. این بار هم توقف قهرمان ۴ ساله فوتبال ایران مقابل نساجی، اتفاق خوشایند برای تیم دوست‌داشتنی مازندران بود.

نساجی دیگر خودش را می‌شناسد، به خودش باور دارد و شاید حق داشته باشد حسرت بخورد که چرا در کورس تیم‌هایی نیست که دنبال کسب سهمیه هستند. روند هفته‌های اخیر را اگر در تمام فصل تکرار کنیم، با نساجی دیگری مواجه می‌شویم که به خطر سقوط ریشخند می‌زند. نساجی حالا می‌تواند برای فصل بعد رویاهای بزرگتری را در ذهن بسازد، با محمود فکری که می‌خواهد قدم به قدم در مربیگری پیش برود.

از فکری وقتی درباره سرمربیگری در استقلال پرسیده‌اند، چنین پاسخی داده است: «حتماً به سرمربیگری در استقلال فکر می‌کنم اما شکل کاری من قاعده و تعریف خاص خودش را دارد. اینطور نیست که بخواهم تحت هر شرایطی و با هر اندازه داش و تجربه روی نیمکت استقلال بنشینم چون ممکن است خودم لطمه ببینم. من اگر بخواهم روزی سرمربی استقلال شوم به این نگاه می‌کنم که آیا در حد و اندازه استقلال شده‌ام یا نه؟ آیا آنقدر تجربه دارم که بتوانم از پس استقلال برآیم. آیا می‌توانم به انتظارات هواداران پاسخ بدهم. همه چیز را در نظر می‌گیرم. ضمن اینکه باید تا قبل از آن در دیگر تیم‌ها به خوبی نتیجه گرفته و به تجربه مناسبی رسیده باشم تا به سرمربیگری در استقلال فکر کنم. من اصلاً دوست ندارم به اشکال دیگر سرمربی استقلال شوم. فقط از این طریق است که خودم را لایق مربیگری در استقلال می‌بینم. باید روزش برسد.»

نساجی برای فکری تجربه‌ای بزرگ است و فصل آینده می‌تواند از فکری یک مربی قابل و موفق بسازد. شاید نساجی هم آرزوهای جذاب‌تری را با مربی‌اش جست‌وجو کند و این قصه خواندنی نساجی و فکری در آینده است. نساجی رویایی این هفته‌ها، رویاهای تازه نساجی در فصل آینده را نوید می‌دهد.

